

## Elite Identification of the Challenges to the Political System's Resilience in the Islamic Republic of Iran in the Second Phase of the Islamic Revolution Utilizing the Thematic Analysis Method

Seyyed Hassan Abusaleh<sup>1</sup>, Najaf Lakzaee<sup>2</sup>, Seyed Mohammad Hossein Hashemian<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Urmia University, Urmia, Iran. [sh.abousaleh@urmia.ac.ir](mailto:sh.abousaleh@urmia.ac.ir)

<sup>2</sup> Professor, Department of Political Science, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (Corresponding author). [nlakzaee@gmail.com](mailto:nlakzaee@gmail.com)

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of Strategic Management, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. [hashemian@bou.ac.ir](mailto:hashemian@bou.ac.ir)

### Abstract

The objective of the present research is to identify the threats that challenge the resilience of the political system in the Second Phase of the Islamic Revolution and during the second forty years of the life of the Islamic Republic of Iran. The focus of this research is on the emerging concept of political resilience in contrast to the theories of political system stability. The experience of the crises formed against the political system during the period of the first forty years of the Islamic Revolution and in the form of seditions (*fitnahs*) indicates that the approach of the political system has been the endeavor for survival and stability against the effects of these seditions. Whereas, in the resilience literature, alteration in past policies and the modality of confronting threats and dynamic adaptation to the internal and external environmental conditions of the political system are of significance. The method of the present research has been conducted based on the three-pronged model (the challenge of structure, behavior, and context) and through the thematic analysis method and utilizing the open interview instrument. The findings of the thematic analysis indicate that the most important threats to the political system are structurally (the non-recognition of resilience, the lack of supervision, the incorrect execution of policies, the inattention to stakeholders), behaviorally (the nature of functionaries, the incorrect understanding of the organization, the ambiguity in organizational culture, the lack of sufficient knowledge, the lack of motivation), and contextually (the ambiguity in understanding the internal environment of the political system such as the level of analysis of power relations, the deviation from the revolutionary identity, and the external environment of the political system such as the exacerbation of peripheral conflicts, the lack of adaptive behavior, and the non-prediction of alternative scenarios).

**Keywords:** Resilience, political system, the Second Phase of the Islamic Revolution, the three-pronged model, thematic analysis, functionaries.

Received: 2025-02-07 ; Received in revised form: 2025-04-15 ; Accepted: 2025-04-28 ; Published online: 2025-10-02

<https://doi.org/10.22034/sm.2024.2022140.2181>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## شناسایی نخبگانی چالش‌های تاب‌آوری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی به روش تحلیل مضمون

سید حسن ابوصالح<sup>۱</sup>، نجف لکزایی<sup>۲</sup>، سید محمدحسین هاشمیان<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. sh.abousaleh@urmia.ac.ir  
<sup>۲</sup> استاد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول). nlakzaee@gmail.com  
<sup>۳</sup> دانشیار، گروه مدیریت راهبردی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران. hashemian@bou.ac.ir

### چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی تهدیدهایی است که در گام دوم انقلاب اسلامی و در چهل سال دوم حیات جمهوری اسلامی ایران، تاب‌آوری نظام سیاسی را با چالش روبرو می‌کند. تمرکز این پژوهش بر مفهوم نوظهور تاب‌آوری سیاسی در مقابل نظریه‌های پایداری نظام سیاسی است. تجربه بحران‌های شکل گرفته در برهه چهل سال اول انقلاب اسلامی در مقابل نظام سیاسی و در قالب فتنه‌ها نشان می‌دهد که رویکرد نظام سیاسی، تلاش برای بقاء و پایداری در مقابل اثرات این فتنه‌ها بوده است. در حالی که در ادبیات تاب‌آوری، تغییر در سیاست‌های گذشته و نوع مواجهه با تهدیدات و انطباق پویا با شرایط محیطی درونی و بیرونی نظام سیاسی اهمیت دارند. روش پژوهش حاضر براساس مدل سه‌شاخگی (چالش ساختار، رفتار و زمینه) و به روش تحلیل مضمون و با ابزار مصاحبه باز انجام شده است. یافته‌های تحلیل مضامین نشان می‌دهد که مهم‌ترین تهدیدات نظام سیاسی به لحاظ ساختاری (عدم شناخت تاب‌آوری، فقدان نظارت، اجرای نادرست سیاست‌ها، عدم توجه به ذی‌نفعان)، به لحاظ رفتاری (ماهیت کارگزاران، فهم نادرست از سازمان، ابهام در فرهنگ سازمان، فقدان دانش کافی، فقدان انگیزه) و به لحاظ زمینه‌ای (ابهام در شناخت محیط داخل نظام سیاسی نظیر سطح تحلیل مناسبات قدرت، انحراف از هویت انقلابی و محیط بیرون از نظام سیاسی نظیر تشدید منازعات پیرامونی، عدم رفتار انطباقی و عدم پیش‌بینی سناریوهای بدیل) می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تاب‌آوری، نظام سیاسی، گام دوم انقلاب اسلامی، مدل سه‌شاخگی، تحلیل مضمون، کارگزاران.

استاد به این مقاله: ابوصالح، سید حسن؛ لکزایی، نجف؛ هاشمیان، سید محمدحسین (۱۴۰۴). شناسایی نخبگانی چالش‌های تاب‌آوری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی به روش تحلیل مضمون. *سیاست متعالیه*، ۱۳(۳): ۸۵-۱۱۰.

<https://doi.org/10.22034/sm.2024.2022140.2181>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



## ۱. مقدمه

از کارویژه‌های نظام‌های سیاسی، متمایز ساختن خود از سایر نظام‌ها و محیط پیرامون بوده و در نظریه نهادگرایی سیاسی، نظام‌های سیاسی دارای استقلال و خودمختاری نهادها از تقاضاهای بیرونی هستند (پارسونز، ۱۴۰۰: ج ۱، ص ۳۳۹). مشروعیت حقوقی و سیاسی در محیط داخل نشان‌دهنده اقتدار و در محیط بین‌الملل نشانگر استقلال سیاسی می‌باشد که در گرو گسترش قدرت و به منظور حفظ نظام سیاسی است (عالم، ۱۳۷۶: ص ۱۸۸). در نظریه‌های نهادگرایی سیاسی، دولت امری مستقل از نیروهای اجتماعی بوده (پارسونز، ۱۴۰۰) و ناشی از تعامل محیط داخل با محیط بین‌المللی است (هادیان و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۱۷۰). در مطالعات اخیر حکمرانی نیز تدوین و اجرای مناسب سیاست‌های عمومی در گرو تقویت نظام سیاسی به عنوان تنها نهاد مشروع تدوین، توزیع و تنظیم قدرت سیاسی است (دای، ۱۳۸۷: ص ۴۶). پذیرش این فرض، نیازمند درک رفتار معنادار میان قدرت سیاسی با محیط داخل و بیرونی نظام سیاسی و فهم تغییرات این دو محیط است (Kantur & et al., 2012: p. 762). سیاستگذاری عمومی نیز با مطالعه دولت به مثابه نظام سیاسی در عمل (Birkland, 2016: p. 7)، به شناسایی مسأله عموم پرداخته و با توجه به اهداف نظام سیاسی برای حل معضلات، توصیه‌های سیاستی تجویز می‌کند. طبق ادبیات سیاستگذاری عمومی، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران به عنوان سند بالادستی، چارچوب اصلی سیاست‌های عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق پیش‌رو را مشخص کرده و از سیاستگذاران انتظار می‌رود که سیاست‌ها بر اساس نقاط قوت و فرصت‌های جمهوری اسلامی و حقایق قابل اندازه‌گیری اتخاذ شوند. این در شرایطی است که نهادهای سیاست‌گذار با دگرگونی‌های محیطی روبرو می‌شوند که نظام سیاسی را با چالش مواجه می‌کند. مفهوم کانونی پژوهش حاضر، شناسایی چالش‌های تاب‌آوری<sup>۱</sup> نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در مرحله جدیدی از حیات خود با عنوان گام دوم انقلاب اسلامی است. هدف، اندیشیدن عقلانی درباره این پرسش است که چه چیزی از نظر سیاسی در ادبیات تاب‌آوری نظام سیاسی را مورد تهدید قرار می‌دهد (چهاردولی و همکاران، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۱۲۹). دیوید چندلر<sup>۲</sup> معتقد است تاب‌آوری باعث می‌شود حاکمیت به درک مناسبی از محیط دست یابد (Chandler, 2014: p. 4). وی ضمن ارائه نگرشی سیاسی، تاب‌آوری را مرحله جدیدی از دولت‌سازی می‌داند (Jonathan, 2013: p. 52). در ادبیات تاب‌آوری، دو راهبرد روبرو شدن با تهدیدات شناخته شده و راهبرد رویارویی با تهدیدات ناشناخته مورد مطالعه می‌باشد

1. Resilience

2. David Chandler

(Mandin, 2007: p. 235). این پژوهش معتقد است که ترسیم راهبرد تاب‌آوری نظام سیاسی، مبتنی بر شناسایی چالش‌های پیش‌روی نظام سیاسی است.

## ۲. چارچوب نظری

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام سیاسی توحیدمبنا، الگوی خطی پیشرفت غرب را در یک فرایند غیریت‌سازی رد می‌کند. ویژگی انقلاب اسلامی ایران، جریان‌ی مستمر است که با ردّ نظریه‌های جامعه‌شناختی درباره ترمیدور انقلاب‌ها و باور به این مهم که پادزهر فرود انقلاب در خود این انقلاب گذاشته شده (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۳/۱۴)، توانسته است با حفظ استمرار، گام اول خود را در چهل سال گذشته برداشته و با حفظ اصول خود، چشم‌انداز گام دوم را تدوین کند. در این پژوهش، نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان شاکله اصلی شکل‌گیری سیاست‌های عمومی مورد توجه قرار گرفته است. فرض محوری پژوهش حاضر این است که نظام سیاسی به منزله یک سازمان بوده (پورعزت و هاشمیان، ۱۳۸۶: ص ۱۵۰) و تاب‌آوری در سطح سازمانی، دارای خصیصتی سیاسی بوده و مبتنی بر روابط قدرت است. براساس استعاره راه، سازمان معرض تضادها، تعارض‌ها و تعامل قدرت است و مدیر، بازیگر و نماینده تعامل قدرت‌های برتری است که سازمان را به راه خود فرامی‌خوانند (همان). تمرکز پژوهش حاضر بر این فرض است که نظام‌های سیاسی به مثابه یک سازمان، جهت بقا در مواجهه با ضعف‌ها و تهدیدات، علاوه بر هضم آنها، دچار ترمیدور (حرکت دوری انقلاب‌ها) نشده و باید بدنبال اجرای کارکردهای اصلی و نیل به هدف اصلی خود باشد. ویژگی تاب‌آوری سازمانی، مواجهه با تهدیدها و تکانه‌هایی‌هایی است که در شرایط عدم قطعیت ظهور می‌کنند (Castel, 1991: p. 281). سازمان‌ها همواره با وضعیت‌های عدم قطعیت روبرو هستند که عملکرد سازمان را دچار اختلال و در شرایط بحرانی وجود آن را تهدید می‌کند (Caralli & et al., 2010: p. 62). مسأله این پژوهش شناسایی چالش‌های تاب‌آوری نظام سیاسی براساس مدل سه‌شاخگی در رویارویی با چالش‌های پیچیده محیط داخل و بین‌الملل در گام دوم انقلاب اسلامی می‌باشد. براساس مدل سه‌شاخگی، چالش‌های سازمانی برحسب سه دسته عوامل رفتاری، زمینه‌ای و ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند (میرزایی اهرنجان‌ی و سرلک، ۱۳۸۴: ص ۷۳). دلیل نام‌گذاری این مدل به سه شاخگی آن است که ارتباط بین عوامل سه‌گانه به‌گونه‌ای می‌باشد که رویداد سازمانی نمی‌تواند خارج از تعامل این سه شاخه صورت گیرد. آسیب‌های ساختاری علل و عواملی پایه‌ای هستند؛ «نظم ترکیبی» عناصر اصلی تشکیل‌دهنده سازمان را برهم زده و ساختارهای اصلی سازمان را در معرض بحران قرار می‌دهند؛ آسیب‌های رفتاری علل و

عواملی پایه‌ای هستند، که از جهات گوناگون رفتارهای انسانی و در نتیجه کارکردهای سازمان را در معرض بحران قرار می‌دهند و آسیب‌های زمینه‌ای علل و عواملی پایه‌ای هستند که تعامل مناسب و واکنش درست سازمان را با سیستم‌های همجوار محیطی‌اش برهم زده و ایجاد بحران می‌نمایند. در چنین رابطه‌ای، این عوامل به شکل روابط سیستمی مداوم در حال تعامل می‌باشند و بین آنها به هیچ وجه سه‌گانگی حاکم نیست. عوامل ساختاری دربرگیرنده تمام عناصر، عوامل و شرایطی فیزیکی و غیرانسانی سازمان است که با نظم به هم پیوسته، چارچوب مادی سازمان را می‌سازد. ساختارها، ظرفیت‌هایی هستند که فرایندهای سازمانی از طریق آن انجام می‌شوند. عوامل ساختاری شامل همه عوامل و شرایط فیزیکی و غیرانسانی سازمان است که دارای قاعده و به هم پیوستگی است. عوامل زمینه‌ای نیز شرایط و عوامل محیطی بیرون از سازمان هستند که محیط سازمان را احاطه کرده و با سازمان تأثیر متقابل دارند و خارج از کنترل سازمان هستند. هر نظام یا سازمانی در جایگاه ویژه خود همواره با نظام‌های محیطی در کنش و واکنش دائمی است. همه علل و عواملی که امکان برقراری، تنظیم و واکنش به موقع و مناسب سازمان نسبت به سایر نظام‌ها را فراهم می‌آورند، زمینه یا محیط نامیده می‌شوند. عوامل زمینه‌ای چالش‌هایی است که تعامل صحیح را با سیستم‌هایی که سازمان را احاطه کرده‌اند، برهم می‌زند. درنهایت عوامل رفتاری شامل روابط انسانی در سازمان است که هنجارهای رفتاری و محتوای اصلی سازمان را تشکیل می‌دهند. عوامل ساختاری و رفتاری، درون سازمانی و محصور در مرزهای سیستم سازمان هستند. ماهیت اصلی سازمان در گروه فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی است که در راستای اهداف از قبل تعیین شده انجام می‌شود. در تهدیدهای رفتاری، نقطه تمرکز بر کارکردها و عملکردها است. عوامل رفتاری تشکیل‌دهنده هنجارهای رفتاری، ارتباط غیررسمی و الگوهای معنایی خاص است.

### ۳. پیشینه پژوهش

کامروا (۲۰۲۳) در پژوهشی با رویکرد مخالفانه، مقاطع مختلف اعتراضات خیابانی را دلیلی بر کاهش مشروعیت دانسته و معتقد است که جمهوری اسلامی ایران با سیاست‌های جناحی و حفظ خصلت وابستگی به درآمدهای نفتی و با ایجاد نهادهای رسمی و غیررسمی، نظام سیاسی را تاب‌آور ساخته است. کوثر و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر و پیامدهای تاب‌آوری سازمانی» نشان دادند سازمان‌هایی که نسبت به تغییرات محیطی خود اشراف داشته باشند و آثار تخریب را مدیریت نموده و بتوانند نسبت به محیط خود ظرفیت انطباقی پیدا کنند، به اهداف سازمان دست خواهند یافت. محمدی شهرودی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «ارائه الگوی تاب‌آوری سازمانی»، با استفاده از رویکرد داده‌بنیاد،

انواع سازمان‌های تاب‌آور را در چهار نوع بقاء‌محور، مقاومت‌محور، فرصت‌طلب و رشد‌محور مورد مطالعه قرار دادند. لوب<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی تاب‌آوری رژیم، رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران» ضمن بررسی سیاست‌های عمومی در زمینه رفاه و توسعه پایدار نشان داد که حتی قبل از اغتشاشات و بعضاً اعتراضات سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸، جمهوری اسلامی ایران با مجموعه‌ای از مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مواجه بوده که دولت را وادار به اصلاحاتی کرده تا از احتمال وقوع یک انقلاب دیگر جلوگیری کند. بوربو<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «تاب‌آوری و سیاست بین‌الملل: مقدمات، گفتمان‌ها، دستور کار»، استدلال می‌کند پژوهشگرانی که با ایده حکمرانی «میشل فوکو» همسو هستند، بر این باورند که تاب‌آوری محصول نئولیبرالیسم معاصر بوده و راهبردی را تشکیل می‌دهد که به دولت‌ها اجازه می‌دهد در مواقع بحران از مسئولیت خود چشم‌پوشی کنند.

#### ۴. روش پژوهش

این پژوهش به روش کیفی، هنجاری و به منظور شناسایی تهدیدات تاب‌آوری نظام سیاسی و با رویکرد توصیفی-اکتشافی انجام گرفت. جهت تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. برای تبیین چستی از تحلیل مضمون و برای تبیین چگونگی نیز از شبکه مضمون‌ها استفاده گردید. شبکه‌های مضمون‌ها، آرایه‌هایی دارای انعطافی هستند که ارتباط داده‌ها را نشان می‌دهند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۱۵۳). از نظر بویاتزیس، تحلیل مضمون فقط یک روش کیفی نیست، بلکه فرایندی است که در اکثر روش‌های کیفی به کار می‌رود (Boyatzis, 1998: p. 4). از نظر عملکرد نیز، روشی برای شناخت، تحلیل و تعیین الگوها در داده‌های کیفی به‌شمار می‌رود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۵۲۶). یک مضمون الگویی است که به توصیف و سازماندهی مشاهدات و یا به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده مورد بررسی می‌پردازد. مضمون، یک ویژگی تکراری و متمایز در متن است که نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با پرسش‌های پژوهش است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۱۵۹). از مهم‌ترین و حساس‌ترین کارها در تحقیقات کیفی، شناخت مضمون می‌باشد و در واقع قلب تحلیل مضمون به‌شمار می‌آید و عواملی مانند شعور متعارف، ارزش‌های پژوهشگر، جهت‌گیری‌ها، سؤالات تحقیق، تجربه محقق در نحوه شناخت مضامین اهمیت دارد. در روش تحلیل مضمون، تحلیل یافته‌ها به صورت تکراری مورد بازنگری قرار گرفته و تا

1. Lob

2. Bourbrau

شناسایی مضمون و یا مضامین اصلی ادامه پیدا می‌کند.

جدول ۱- چکیده روش‌شناسی

ردیف	عناوین فصل	روش / موضوع
۱	تناسب موضوع و روش	بهره‌گیری از روش‌های کیفی در تدوین سیاست‌ها
۲	چستی پژوهش	تفسیری
۳	رویکرد	استقرائی
۴	روش	کیفی
۵	راهبرد	تحلیل موضوعی با رویکرد کشفی
۶	هدف	فهم، توصیف، کشف معنا، تولید نظریه، تدوین سیاست
۷	جامعه	مجامع دانشگاهی و سیاسی
۸	نمونه	اساتید و خبرگان علوم سیاسی و مدیریت
۹	روش گردآوری داده‌ها	بررسی متون و اسناد- مصاحبه
۱۰	روش ارزیابی	قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت اطمینان و قابلیت تأیید
۱۱	روش تجزیه و تحلیل	تحلیل بر اساس کدگذاری

## ۵. فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور ارائه تحلیلی منسجم، ابتدا کلیدهای اولیه به طور مستقیم از متن مصاحبه‌ها استخراج و سپس در قالب مضمون‌های باز اولیه طبقه‌بندی شده‌اند. ماهیت مضمون‌ها در دو نوع توصیفی و تفسیری شناسایی شده و مضمون‌های توصیفی نقل قول مستقیم از متون استخراجی و برخی دیگر نیز مضمون‌های تفسیر شده هستند. از نظر روش شناخت، سعی شده تا مضمون‌های تکراری حذف و به مضمون‌های کلیدی و مکنون توجه شود. در میان متون استخراج شده، مقایسه و هم‌سنجی انجام شده و شباهت‌ها و تفاوت‌ها برجسته شده است. شناسایی و چینش مضمون‌ها به صورت دستی و با استفاده از نرم‌افزار آفیس انجام شده است. شناسایی و طبقه‌بندی مضمون‌ها براساس پرسش‌های فرعی پژوهش و همچنین در راستای مدل ارائه شده (مدل سه‌شاخگی) انجام شده است. کلیدهای اولیه استخراج شده با شاخص‌های چالش‌های سه‌شاخگی همسو شده‌اند. در مرحله کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها و متون گزینشی مرتبط با موضوع پژوهش و نکته‌های استنباطی در قالب ۴۶۷ کد اولیه ترسیم شده است. سپس مضمون‌های تکراری و مبهم حذف و مضمون‌های مرتبط در قالب ۱۴۷ مضمون پایه یکپارچه شده‌اند. در مرحله دوم مضمون‌های پایه در قالب مضمون‌های

سازمان‌دهنده به تعداد ۶۲ مضمون و در نهایت ۱۲ مضمون فراگیر استخراج شده‌اند.

## ۶. مشخصات افراد مصاحبه‌شونده و نمونه مضامین مستخرج از مصاحبه

جدول ۲- مشخصات افراد مصاحبه شونده

ردیف	رشته تحصیلی	رشته تخصصی	رتبه علمی
۱	علوم سیاسی	علوم سیاسی	استاد
۲	مدیریت	سیاست‌گذاری عمومی	دانشیار
۳	آینده پژوهی	آینده‌های بدیل	استادیار
۴	روابط بین‌الملل	مطالعات خاورمیانه	استاد
۵	علوم سیاسی	امنیت ملی	استاد
۶	علوم سیاسی	سیاست‌گذاری عمومی	استاد
۷	روابط بین‌الملل	روابط بین‌الملل	استاد
۸	جامعه‌شناسی	جامعه‌شناسی سیاسی	استاد
۹	علوم اجتماعی	افکارسنجی	دانشیار

جدول ۳- نمونه مضامین مستخرج از مصاحبه

کد نهایی	نتایج کلیدی به دست آمده از مصاحبه
ضعف در ارائه تصویری حقیقی از مقدرات و محذورات	معمولا نظام‌های سیاسی سعی می‌نمایند توده‌های اجتماعی را نسبت به سیاست‌ها و اثرات مثبت و منفی آنها آگاه کنند و ممکن است جایی سیاست‌ها درست عمل نکرده باشد.
انفعال نخبگان در برابر سیاست‌های پایایی نظام سیاسی	این بینش در نخبگان ما که سیاست‌گذاری درباره مسائل کشور باید در راستای حفظ کلیت نظام سیاسی باشد، گسترش نیافته است.
عدم رجحان ماهیت دینی نظام سیاسی نسبت به نظام‌های بدیل	به شکل کلی می‌توان چنین برداشت کرد که برای برخی از تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و حتی مدیران میانی تفاوتی بین نظام سیاسی جمهوری اسلامی و نظام‌های لیبرال یا مارکسیستی وجود ندارد.
کاهش حضور دانشگاهیان در مناصب مرتبط اداری و سیاسی	یکی از معضلاتی که به لحاظ دانش اداره و سیاست وجود دارد این است که به تجربه و یا همفکری افراد در انتصاب به مناصب اهمیت داده می‌شود.
تضاد در شیوه مدیریت ساختار (تمرکزگرایی و یکپارچگی)	من معتقدم با نگاه بر اساس حقوق اساسی و حتی نگاه کلان مدیریتی سیستم حکمرانی ما اختیارات در قاعده سازمان را تعریف نمی‌کند.

کد نهایی	نتایج کلیدی به دست آمده از مصاحبه
ناسازگاری روند اجرایی با سیاست‌ها (اقدام پژوهی)	سیاست‌گذاری صرفاً توصیه برای انجام و یا ترک چیزی نیست بلکه در مرحله بعدی است که سیاست‌ها خود را نشان می‌دهند.
عدم استفاده از کارگزاران انقلابی و تحول آفرین	ماهیت نظام جمهوری اسلامی متلازم با استفاده از کارگزارانی است که روحیه و اندیشه متناسب با آن را دارند.
عدم تطابق روحی بین کارگزار و وظیفه سازمانی	شما الان ببینید کارگزار در سیستم اداری ما صرفاً برای دریافت حقوق و مزایا سرکار خود حاضر است و باید پذیرفت که به دلیل بهره مندی از فدصت پیش آمده وارد سیستم شده است.
آگاهی محدود از محیط بیرونی	نمی‌شود که مشخصات یک سیستم را داشت اما به لوازم آن و محدودیت‌های بیرونی توجهی نکرد.

#### ۷. چارچوب چالش‌های تاب‌آوری نظام سیاسی براساس مدل سه‌شاخگی

در این پژوهش به منظور تحلیل عینی از نظام تهدیدات از مدل سه‌شاخگی بررسی چالش‌هایی که یک سازمان با آنها روبرو است، استفاده شده است. از مدل مذکور می‌توان در مورد سیستم‌های باز استفاده کرد. چراکه نظام سیاسی به عنوان یک سیستم باز قابل بررسی است. در مدل سه‌شاخگی سازمان برحسب سه نوع عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۷-۱. مضامین چالش ساختاری نظام سیاسی

چالش‌های ساختاری تهدیدهایی هستند که ساختار سازمان را دچار بحران می‌کنند. ساختارها، ظرفیت‌هایی هستند که فرایندهای سازمانی از طریق آن انجام می‌شوند. عوامل ساختاری شامل همه عوامل و شرایط فیزیکی و غیرانسانی سازمان بوده که دارای قاعده و به هم پیوستگی است. مضمون‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها به ترتیب در قالب مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر قرار گرفته و سپس به توضیح مضامین فراگیر پرداخته شده است.

جدول ۴- چالش‌های ساختاری نظام سیاسی

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	مضامین چالش ساختاری
مفهوم نوظهور	پایداری نظام سیاسی به جای تاب‌آوری	ضعف شناختی تاب‌آوری سیاسی	
تهدید ثابت			
تلاش برای بقاء			
لزوم تفکیک معنایی	فقدان اصول تاب‌آوری در سیاست‌ها		
عدم شناسایی شاخص تاب‌آوری			
عدم استخدام بنیان‌های نظری تاب‌آوری			

تکثر سیاستی رسمیت ندارد	فقدان سیاست‌های بدیل	
برای تغییر باید سیاست جایگزین داشت		
سیاست بدیل متأثر از بازیگر بیرونی است		
نقص زنجیره تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری	ضعف در تبدیل سیاست‌ها به قوانین هدف	
عدم تدوین قوانین براساس تصمیمات کلان		
دخالت در صندوق رأی	تقلیل مشارکت سیاسی در انتخابات	
توان بالای اثرگذاری در انتخابات		
سیاستگذار درک ملموسی از مسأله ندارد	حذف ذینفعان در فرایند سیاستگذاری	عدم توجه به ذی‌نفعان
عدم مصلحت‌سنجی عموم، مردم حلقه مقفوده		
ابهام رابطه افکار عمومی و نهادهای تصمیم‌گیر	عدم اقتناع ذی‌نفعان در مورد سیاست‌ها	
عدم آگاهی ذینفعان در مراحل سیاستگذاری		
گسست ماهیت انقلاب اسلامی و کارکرد رهبری	عدم تطبیق اراده سیاسی نهاد رهبری و نهادهای اجرایی	
بروکراسی مانع جدی آرمان‌گرایی است		
فاصله کارگزاران از اصول عامل بی‌اعتمادی مردم	شکاف اعتماد بین مردم و نظام سیاسی	
نفاق عامل دوری مردم از نظام		
عدم التزام به شاخص سنجش سیاست‌ها	ارزیابی سلیقه‌ای کارگزاران از سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها	
مداخلات شخصی در مرحله ارزیابی سیاست		
مقایسه سازمان با سازمان دیگر	عدم توجه به فرهنگ سازمانی خاص	
ماهیت سازمان غیر از اعضای آن است		
عدم صداقت در انعکاس رویدادها و اقدامات	ابهام در شفافیت	اقتضائات فرهنگ سازمانی
فقدان تصمیمات در اتاق شیشه‌ای		
مردم نامحرم هستند		
گسست شفافیت و اعتماد	عدم مسئولیت‌پذیری تصمیمات	
عدم ترازوی مسئولیت و اختیارات		
عدم توجه به خروجی مسئولیت‌سازمانی	اختلال در هدف متعالی	
جهت‌گیری نامناسب فرهنگ سازمان		
بی‌اهمیتی فضائل معنوی و اخلاقی		
عدم تطبیق فرهنگ سازمانی با فلسفه سازمان		

بی‌توجه به مولفه‌هایی مثل عزت و تعهد دینی	اختلال در معنا	اجرای سیاست‌ها
عدم رضایت کارگزاران در چارچوب فرهنگ دینی		
عدم کاربرد شاخص تاب‌آوری	عدم نفوذ شاخص‌های تاب‌آوری	
نگاه نئولیبرالیستی به تاب‌آوری	در قاعده ساختار	
فقدان نهادهایی برای پایش سیاست‌های تاب‌آوری فردی و اجتماعی	فقدان نهاد پایش تاب‌آوری	
حتی اگر سیاست‌ها درست اجرا شوند، گزارشی از نحوه اجرای سیاست ارائه نمی‌شود.	ناسازگاری روند اجرایی با سیاست‌ها (اجراپژوهی)	
تفاوت بین اداره و سیاست	دخالت سیاست در اجرا	
نفوذ اراده سیاسی در اجرای سیاست‌ها		
اجرای سیاست مهم‌ترین مرحله سیاست‌گذاری		
تغییر در رهبری عامل تغییر در سیاست‌ها	عدم تداوم یا توسعه رهبری	
تفاوت رهبری و مدیریت		
دخالت تمایلات سیاسی	گرایش‌های مجربان	
دخالت اخلاق فردی		
عدم تلاش نهادهای در راستای هدف متعالی نظام	فقدان همکاری براساس اهداف	فقدان الگوی تعاون
بی‌توجهی به جایگاه سازمانی به عنوان حلقه‌ای از زنجیره نظام	متعالی نظام سیاسی	
عدم پذیرش تعاون به عنوان الگوی حل مسائل	عدم توجه به ماهیت نظام سیاسی و فقدان الگوی تعاون سیاسی	
به تأکیدات دینی همیاری توجه نشده است.		

### ۷-۱-۱. تحلیل چالش‌های فراگیر ساختاری نظام سیاسی

۱. **ضعف شناختی تاب‌آوری سیاسی:** سیاست‌ها در سنت سیاست‌گذاری عمومی با تمرکز بر شناخت صحیح از مسائل عموم تدوین می‌شوند. رویکرد خطی سیاست‌گذاری به لحاظ تکرارپذیری رویدادهای اجتماعی و سیاسی، باعث شده تا ثبات نظام سیاسی بدون توجه به محیط‌های ناپایدار، امری ممکن لحاظ شود. تجربه جمهوری اسلامی ایران در گام اول انقلاب اسلامی، تمرکز بر کنترل شرایط محیطی خاصی است که پایایی نظام سیاسی را افزایش می‌دهد. این در حالی است که گسترش مفهوم تاب‌آوری سیاسی به معنای عاملیت سیاسی مورد توجه واقع نشده و تاب‌آوری به عنوان بدیلی از پایداری شناخته شده است. در واقع، تاب‌آوری سیاسی به عنوان یک پیوست در تدوین سیاست‌های عمومی مورد توجه قرار نگرفته است. برای مثال، پیوست تاب‌آوری در تدوین سیاست‌هایی مانند واقعی‌سازی قیمت‌ها، تعیین نرخ حامل‌های انرژی و قانون حجاب و عفاف مورد غفلت واقع شده است. در مقابل، به جای تمرکز بر تاب‌آوری سیاسی،

پیوست‌های امنیتی در راستای جلوگیری از رفتارهای ساختارشکن مورد توجه قرار گرفته می‌شود. مضامین سازمان‌دهنده این بخش نشان می‌دهد که فقدان استخدام تاب‌آوری سیاسی ریشه در ضعف بینشی و روشی سیاستگذاری‌ها دارد.

**۲. عدم توجه به ذی‌نفعان:** در سیاستگذاری عمومی، ذی‌نفعان در دو قالب ذی‌نفعان درون نظام سیاسی و بیرون آن و همچنین ذی‌نفعان در دسترس و ذی‌نفعان ناپیدا دسته‌بندی می‌شوند. هرچند که ذی‌نفعان در دسترس، شامل مقامات رسمی می‌شود، اما در میدان عمل سیاسی گاهی گروه‌های در دسترس به شکل ناپیدا و غیررسمی در جهت‌دهی سیاست‌ها حضور دارند. میزان دسترسی مقامات رسمی در توجه به منافع ذی‌نفعان (که گاهی شامل خود آنان نیز می‌شود) با معیار دسترسی به منابع قدرت قابل بررسی است. برای مثال، استفاده از ابزارهای نهادی مانند اختیارات در عزل و نصب کارگزاران و همچنین دسترسی به منابع سازمانی یکپارچه، این امتیاز را برای ذی‌نفعان درون نظام سیاسی ایجاد می‌کند که توانایی عمیقی در اتخاذ سیاست‌ها داشته باشند. در بخش دوم این تقسیم‌بندی، ذی‌نفعان خارج از نظام سیاسی قرار دارند که شامل افراد و گروه‌هایی است که یا خود مباشرت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دارند و یا به عنوان بخشی از اعضای جامعه به شکلی متأثر از اجرای سیاست‌ها هستند. منابع قدرت و نفوذ گروه‌های بیرون از ساختار نظام سیاسی، در ظرفیت‌های فعالی مانند انتخابات‌ها، توان اقتصادی گسترده، انسجام درون نهادی و همچنین مشارکت متقابل با دیگر ذی‌نفعان قرار دارد. مضامین سازمان‌دهنده این بخش حاکی است که عدم توجه به منافع و یا حداقل به خواسته‌های ذی‌نفعان، چالش دیگر ساختاری است.

**۳. اقتضانات فرهنگی سازمانی:** فرهنگ سازمانی الگویی از نگرش‌های مشترکی است که اعضای سازمان در فرایند حل مسائل، یکپارچگی داخلی و انطباق با محیط خارجی یاد گرفته‌اند (منوچهری‌راد و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۲۲). فرهنگ سازمانی به معنای ادراک کارگزاران از سازمان بوده و به معنای درک مشترک نسبت به آن می‌باشد. فرهنگ سازمانی عاملی است که یک سازمان را از دیگر سازمان‌ها متمایز ساخته و عنصری برای تمایز هویتی به حساب می‌آید و متناسب با اقتضانات سازمانی معنا پیدا می‌کند.

**۴. اجرای سیاست‌ها:** اجرای سیاست‌ها از جمله مراحل چرخه‌ای سیاستگذاری است و در واقع ملموس‌ترین و عینی‌ترین مرحله به‌شمار می‌رود. در باور عموم، شکست یا موفقیت یک سیاست به اقدام مجریان و چگونگی آن بستگی دارد. شکل‌گیری مطالعات اجراپژوهی در کنار سیاستگذاری نشان از اهمیت اجرای سیاست‌ها و مطالعه منابع و ابزار اجرا می‌باشد. از منظر سیاسی، اجرای سیاست، فرایندی است که بوسیله آن نظام‌های سیاسی و دولت‌ها دیدگاه‌های سیاسی خود را به برنامه تبدیل می‌کنند. براساس گزارشات

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بیش از ۵۰ درصد برنامه‌های ۵ ساله (میان‌مدت) و ۴۰ درصد برنامه‌های سالانه، قابلیت اجرایی ندارند. از جمله چالش‌های اجرای سیاست‌ها، می‌توان به تعدد اهداف دولت‌ها، نادرستی نظریه‌های سیاستی و شناخت مسأله اشاره کرد.

**۵. فقدان الگوی تعاون درون سازمان:** سازمان‌ها در پی انطباق با محیط و در نهایت بقاء در یک محیط خاص هستند. همانگونه که همه تلاش یک ارگانیزم یا موجود زنده حفظ خود و بقاء است، در این نوع نگرش استعاری، تلاش سازمان برای بقاء، به عالی‌ترین هدف سازمان تبدیل می‌شود. زمانی که چند بخش یا عامل با هم همیاری و برهمکنش (تعامل) داشته باشند، معمولاً اثری بوجود می‌آید. اگر این اثر از مجموع اثرهایی که هر کدام از آن عناصر جداگانه می‌توانستند به وجود آورند، بیشتر شود، در این صورت پدیده هم‌افزایی و تعاون شکل گرفته است. موفقیت سازمان نه تنها مستلزم هماهنگی و همکاری اعضا و افراد یک واحد است، بلکه در گستره‌های فراگیر، دربردارنده هماهنگی، تفاهم و هم‌سویی واحدهای مختلف سازمان و حرکت یکپارچه تمامی آنها به سوی هدف است. از نگاه مقام معظم رهبری، از چالش‌های فرهنگی عدم تعاون در اقدامات جمعی و سازمانی است. چنانکه ایشان ضعف در فرهنگ کار جمعی را یک آسیب جدی دانسته‌اند.

#### ۲-۷. مضامین چالش‌های رفتاری نظام سیاسی

ماهیت اصلی سازمان در گرو فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی است که در راستای اهداف از قبل تعیین شده انجام می‌شود. در تهدیدهای رفتاری، نقطه تمرکز بر کارکردها و عملکردها است. عوامل رفتاری تشکیل‌دهنده هنجارهای رفتاری، ارتباط غیررسمی و الگوهای معنایی خاص است.

جدول ۵- چالش‌های رفتاری نظام سیاسی

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	رفتاری
اعتقاد به مبانی دین کمرنگ شده است	عدم استفاده از کارگزاران انقلابی	عدم شایستگی	
گزینش نیروی کارآمد فقط متخصص نیست			
غفلت از وفای به عهد			
مستخدم دولت روحیه انحصار در بروکراسی دارد	استفاده از مدیران بروکرات		
تغییر مطابق با هدف نیست			
انتصاب فامیلی	ملاک شخصی و سوءانتصاب		
بکارگیری براساس وابستگی خطوط سیاسی			
انتصاب براساس بده‌بستان سیاسی			

اجرای قوانین براساس ملاحظات	فقدان درک مشترک بین سیاستگذاران و مجریان	فقدان معناداری
عدم آشنائی با مقصود سیاستگذار		
برخورد سلیقه‌ای در اجرا		
کم‌رنگی شدن فرهنگ اینثار و شهادت	فهم متفاوت از ماهیت جمهوری اسلامی	
نگاه فرصت طلبانه		
عدم باور به ماهیت دینی جمهوری اسلامی		
عدم باور به تفاوت ماهوی با دیگر نظام‌ها	قیاس با دیگر نظام‌های سیاسی	
خودباختگی		
شناخت ناقص از دیگر حاکمیت‌ها		
نظارت فقط بیرونی نیست	فقدان تقوی	ضعف رفتاری
عدم خودکنترلی		
تبعیت از افراد ناسالم		
دور زدن قوانین	فقدان تعهد	
بهانه‌تراشی		
عدم رضایت از حقوق		
پذیرش تأثیرات بیرونی غلط	فقدان توکل	
فاصله گرفتن از نگاه توحیدی		
نگاه تقلیل‌گرایانه و شخصی به امور		
منابع انسانی ناکارآمد	فقدان دانش و اطلاعات ویژه سازمانی	دانش ناکافی
به‌روز نبودن رویه‌ها و اطلاعات		
فهم سنتی از مدیریت		
مدارج تحصیلی نامرتبط	عدم انطباق دانش موجود با ماهیت سازمان	
مقاطع تحصیلی غیرلازم		
نگاه ابزاری به کارگزار		
نارضایتی از معیشت	عدم اقتناع معنوی و مادی کارگزاران	عدم انگیزش
مقایسه منافع با هم‌ترازان		
باور به هدر رفت فرصت زندگی		
نگاه یکسان درباره کارآئی کارگزاران	عدم تطابق روحی بین کارگزار و وظیفه سازمانی	
انتصاب نامرتبط		
عدم رضایت کارگزار از انتصاب		

## ۷-۲-۱. تحلیل چالش‌های فراگیر رفتاری نظام سیاسی

### ۱. عدم شایستگی

در نظام سیاست‌گذاری عمومی دو رکن عمده ساختار و کارگزاران نقش اساسی را برعهده دارند. آنچه در بررسی کارگزاران اهمیت دارد، نوع کنش‌های مبتنی بر صلاحیت‌های عمومی و تخصصی است که در این نوشتار در بعد رفتاری جایابی شده است. شایسته‌سالاری به معنای نظام‌مندی است که انتصابات بر مبنای توانایی و تجارب و همچنین تعهد و تخصص باشد. فارغ از شاخص‌های مشترک، در نظام فکری جمهوری اسلامی، شاخص‌های برگرفته از آموزه‌های دینی نیز وجود دارد. در نص قرآنی نیز شواهدی برای این امر وجود دارد. به عنوان مثال، در آیه ۲۴۷ سوره بقره در جریان اعتراض بنی‌اسرائیل درباره انتصاب طالوت برای فرماندهی سپاه، دلیل انتصاب شایستگی طالوت و ویژگی‌های جسمی و علمی او ذکر شده است. البته فحوای این کلام انتخاب بین افراد شایسته و ناشایست نبوده، بلکه انتخاب بین شایسته و شایسته‌تر است. همچنین در آیه ۱۲۴ سوره بقره نیز انتخاب امام و رهبر نه براساس ویژگی‌های خانوادگی و آشنایی، بلکه براساس صلاحیت بوده است. همچنانکه در لسان‌امیرالمؤمنین (ع) نیز از فرد شایسته به اقوی و اعلم یاد شده که از شاخص اقوی به سیاستمدارترین و باتدبیرترین و همچنین از اعلم به دانشمندترین، جهت اجرای سیاست‌ها و تدبیرها تعبیر شده است. به دلیل اینکه کسب قدرت در بخشی از نظام سیاسی براساس انتخاب می‌باشد، ضمانتی برای انتخاب فرد شایسته‌تر نسبت به سایرین وجود ندارد. اما در سایر بخش‌های شاکله نظام سیاسی، قطعاً انتصاب کارگزاران باید با ملاک انتصاب شایسته‌تر انجام شود.

### ۲. فقدان معناداری

معناداری درک منطقی از پدیده‌ها و روابط بین آنهاست. معناداری در بعد رفتاری سازمان دربرگیرنده اصول و آرمان یک سازمان یا نظام سیاسی و خوانش اخلاقی از مناسبات سازمانی است و در رفتار سازمانی، مطابق با خصلت هنجاری و تجویزی سیاست‌گذاری بوده است. معناداری رفتاری در سازمان ظرفیتی برای درک ماهیت و هدف یک سازمان و تلاش مشترک در راستای حفظ آن بوده و هر پدیده‌ای در قلمرو زندگی انسان، از راه معنای آن قابل شناسایی است. در نظریه‌های سازمان، سازمان به عنوان منابع تفسیرگر عمل می‌کند و رفتار افراد و در نهایت رفتار سازمان را توضیح می‌دهد. از این‌رو فهم این تفسیر و معانی برای کارگزاران و عمل براساس آن، از ضروریات رفتار در سازمان است.

### ۳. ضعف در اخلاق کارگزاری

در اخلاق کارگزاری صفات نفسانی و شیوه منطبق شدن صفات فرد از حیث اینکه دارای قدرت بوده، مورد

توجه است. براساس ماهیت دین‌باورانه جمهوری اسلامی، شاخص‌ها و ویژگی‌هایی برای کارگزاران هم در نص و هم در سنت قولی و فعلی حضرات معصومین (ع) وجود دارد، که باید در جمهوری اسلامی ایران نیز وجود داشته باشد. رویکرد نظام دینی در زمینه مسائل جمعی وابسته به ارزش‌ها و اصولی بوده که معطوف به سعادت جامعه و در ذیل آن سعادت افراد است. نکته مهم این است که تمامی نهادها، کارگزاران، سیاست‌ها و قوانین مشروعیت خود را از حاکمیتی به دست می‌آورند که ماهیت دینی - توحیدی دارد و این بخش‌ها باید به شرایط خاص آن ملتزم باشند. کارگزاری در نظام دینی، ابزاری در راستای عملیاتی کردن اندیشه‌های توحیدی در خود سازمان حکومت و در جامعه است. فارابی در نوشته‌های مختلف، بیشترین مسئولیت جامعه را برعهده کارگزاران حاکمیت می‌داند و در حقیقت، نظام سیاسی از طریق کارگزاران همه تدابیر حکومتی را در جامعه اجرا می‌کند. باید توجه کرد که در کنار اخلاق (تقوی) فردی، تأکید این مضامین بر اخلاق سیاسی کارگزاران است.

#### ۴. سوء مدیریت دانش

در نظریه‌های سازمان، ابزار اصلی و متمایزکننده سازمان‌ها از یکدیگر، دانش و مدیریت دانش است. در بسیاری از مطالعات مربوطه، نقش دانش و مدیریت آن، تأثیر قطعی در ساختار و عملکرد سازمان‌ها دارد. مدیریت دانش فرایندی است که رشد، سازماندهی و ایجاد ارزش‌های جدید سازمان را بهبود می‌بخشد. از منظر اسلامی، دانش از خداوند نشأت گرفته و در قالب وحی، ادراک حسی، استدلال، مشاهده و استنتاج به مراتب پایین‌تر خلقت و انسان منتقل می‌شود. با نگاه کارکردی، دانش براساس نیاز، ضرورت و امکان توسعه می‌یابد و خروجی دانش بر مبنای ارزش، استخدام آن در تعالی انسان و اجتماع است. با فرض پویایی بسیار بالای محیط سازمان‌ها، رشد متوالی دانش، باعث اعتباربخشی به سازمان‌ها شده و خود را در خروجی سازمان (محصولات) نشان می‌دهد. این فرایند متعالی دانش، در آیه ۱۲۵ سوره نحل براساس سلسله مراتب، نص، اطلاعات، دانش، بصیرت و حکمت تبیین شده است. با مفروض قرار دادن مطالب پیشین، مضامین به دست آمده که نظام سیاسی را با چالش روبرو می‌کند، فقدان دانش و اطلاعات ویژه سازمانی و عدم انطباق دانش موجود با ماهیت سازمان است.

#### ۷-۳. مضامین چالش محیطی نظام سیاسی

در این بخش، به تبیین و تحلیل مضمون‌های فراگیر سازمان‌دهنده محیطی پرداخته می‌شود. عوامل زمینه‌ای چالش‌هایی است که رابطه و تعامل صحیح و نظام‌مند و واکنش به موقع و درست را با سیستم‌های هم‌جوار که سازمان را احاطه کرده‌اند، برهم می‌زند.

جدول ۶- چالش‌های محیط نظام سیاسی

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	بعد	زمینه و محیط
فشار قدرت اجتماعی	فشار به نظام سیاسی	چالش سیاست اجتماعی	درونی	
استفاده از نهادهای مدنی	برای چرخش سیاستی			
کنترل فضای رسانه‌ای				
تأثیر شکاف‌های اجتماعی	تقویت شکاف‌های			
فاصله طبقاتی	افقی و عمودی			
گسست نسلی	اجتماعی			
تهدید راهبردی تجزیه‌طلبی	واگرایی اجتماعی و هویتی			
هویت‌خواهی متعرض				
دخالت مذاهب در تمایزات قومیتی				
افزایش هویت متمایزگرا				
تقابل هویت ملی و قومی				
باور عموم به ناکارآمدی سیاسی	کاهش سرمایه اجتماعی	منازعه‌گفتمانی		
ارادی بودن معضلات کشور				
عدم بازتولید نظام ارزشی				
انفکاک جامعه از حکومت				
انسداد اجتماعی و سیاسی				
عدم تکثرگرایی سیاسی				
معتبر دانستن روایت خارجی	تأثیرپذیری از عملیات فریب	چالش سیاست فرهنگی		
عدم شفافیت اطلاعات عمومی				
عدم تمایز حاکمیت و القابات بیرونی				
ایدئولوژی‌زدایی	تحریف نظام از هویت و رسالت خویش			
عدم انفکاک ماهیت انقلاب اسلامی و دولت‌ها				
فاصله گرفتن از آرمان‌ها				
تکرار ادبیات سیاسی دشمن				
ابهام در رابطه انقلاب اسلامی و نهادها	شکاف بین انقلاب			
عدم تقارن بین اهداف و ساختار	اسلامی و جمهوری			
نامطلوب بودن ادامه انقلاب‌ها	اسلامی			

نادیده گرفتن اصول سیاست فرهنگی	سوءگیری خط‌مشی فرهنگی			
فقدان شاخص قابل رصد				
برخورد شعاری				
به‌روز نبودن سیاست دولتی بودن				
ممانعت تحریم از روابط خارجی	شرطی شدن اقتصاد			
کاهش گزینه‌های انتخاب				
برنامه‌ریزی مشروط				
رانت اطلاعات اقتصادی	فساد سیاسی			چالش سیاست اقتصادی
سیاست ضعیف پیشگیری				
منافع متقابل سیاسی و اقتصادی	تصدی‌گری دولت			
وابستگی نهادهای اقتصادی به دولت				
ضعف بخش خصوصی				
فقدان انگیزه مولدسازی در دولت	عدم شفافیت			
ضعف نظارت				
همسوئی منافع رانت اطلاعاتی				
آگاهی محدود از محیط بیرونی	نادیده گرفتن اثرات محیط بیرونی			
تصور بسته به محیط				
عدم ارزیابی عوامل خارجی				
نگاه ایستا به محیط داخل و بیرون	عدم رفتار انطباقی			
تقلیل انطباق به مقهوریت				
فقدان یادگیری	فقدان الگوی امنیت			محیط بیرونی
تنازعات تاریخی				
دیپلماسی تهدید				
حضور بیگانگان	تشدید منازعات ژئوپلیتیکی پیرامون			
حساسیت جزایر سه‌گانه				
جعل خلیج عربی				
بی‌ثباتی مرزهای شرقی				

باز تعریف نکردن گروه‌های معاند	حضور نیروهای معاند		
مظلوم‌نمایی گروهک‌ها			
وابستگی خانوادگی به معاندین	وابستگی به مسیر		
وابستگی سیاست‌ها به کنش‌های بازیگران اثرگذار			
کنش متفلاانه در برابر محیط بیرون			

### ۷-۳-۱. تحلیل چالش‌های فراگیر محیطی نظام سیاسی

#### ۱. چالش‌های محیط درونی

محیط یک سازمان ترکیب نیروهایی است که عملکرد سازمان را تحت تأثیر قرار داده و سازمان بر آنها کنترل نداشته و یا کنترل ناچیزی بر آنها دارد. در نظریه‌های کلاسیک سازمان، محیط در خارج از مرزهای سازمان موجودیت داشته است، اما در نظریه جدید، محیط ساختاری اجتماعی است که براساس تصویر ذهنی درون سازمان شکل می‌گیرد. در نظریه‌هایی که سازمان‌ها را به عنوان سیستم باز پذیرفته‌اند، محیط‌های متعددی برای سازمان تعریف شده است. در این نظریات سازمان و محیط آن دارای رابطه تعاملی و یا تقابلی هستند. محیط سازمان‌ها براساس دو ویژگی پویایی و درجه پیچیدگی مورد بررسی قرار می‌گیرند. هرچه محیط سازمان دارای پویایی باشد، از درجه پیچیدگی بیشتری برخوردار است. ویژگی پویایی به معنای قابلیت انطباق‌پذیری سازمان بوده و ویژگی پیچیدگی به معنای تعدد اجزای سازمان و نوع روابط آنها با همدیگر و دیگر سازمان‌ها و محیط‌های آنان است. هرچه محیط سازمان‌ها ساده و ثابت باشد، امکان پیش‌بینی رفتار در آنها بیشتر بوده و هرچه سازمان‌ها به سمت محیط پویا و پیچیده تمایل پیدا کنند، رفتار آنها غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود.

#### ۱/۱. چالش سیاست اجتماعی

تحولات ساختاری و سیاسی در دوره‌های مختلف تاریخ جمهوری اسلامی ایران تأثیرات قابل توجهی در شکل‌گیری چالش‌های اجتماعی داشته است. از نگاه علوم اجتماعی، هر آنچه که در تغییرات نظام اجتماعی نقش داشته باشد، در گستره چالش‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. از این‌رو تصمیمات اتخاذ شده برای حل مسائل اجتماعی در ذیل سیاست‌های اجتماعی قرار دارند. آنچه که در این نوشتار از مفهوم چالش اجتماعی مد نظر قرار دارد، چالش‌هایی است که براساس تصمیمات سیاسی، جامعه را وادار به کنشگری در قبال آن تصمیمات می‌نماید. قرار گرفتن قدرت اجتماعی در مقابل قدرت سیاسی و نحوه تعامل آنها، مبنای مفروض این بخش در ساماندهی مضامین می‌باشد.

## ۲/۱. چالش سیاست فرهنگی

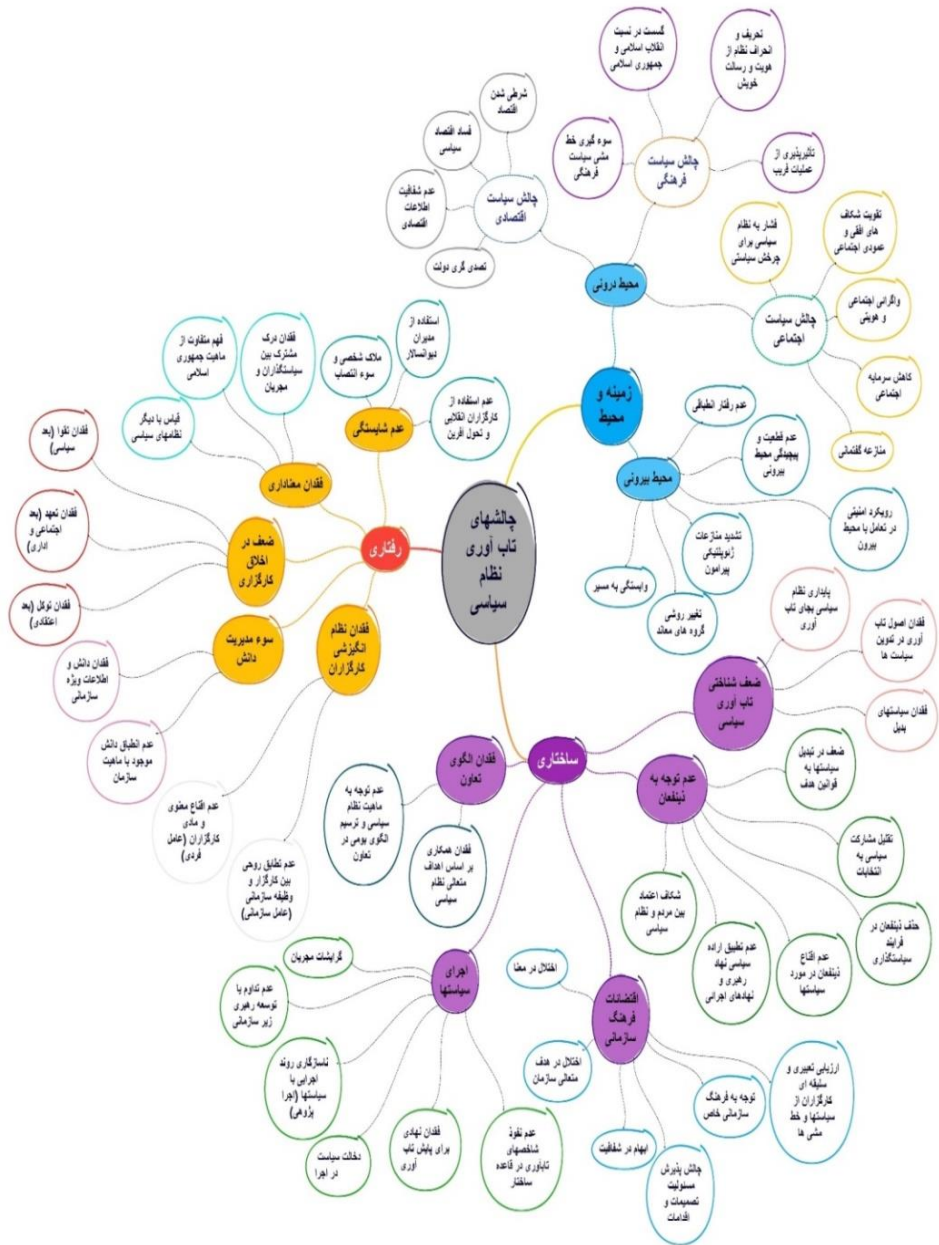
سیاست فرهنگی مجموعه راهبردهایی است که کنش‌های اجتماعی را از طریق اقدامات رسمی، غیررسمی، آشکار و پنهان هدایت کرده یا بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. سیاست فرهنگی بخشی از سیاست کلی یک حکومت محسوب می‌شود که هدف آن استحکام و استمرار هویت جمعی در جامعه، تقویت مشروعیت برای حکومت و ایفای کارکردهای فرهنگی حکومت در جامعه است. سیاست‌های فرهنگی هر کشور را می‌توان علاوه بر شاخص درک سیاست‌گذاران از مقوله فرهنگ، مبنایی برای جهت‌دهی سایر اجزای جامعه دانست. از این‌رو وجود ضعف و کاستی در دقت نظر برای تنظیم این سیاست‌ها، می‌تواند بین عمل و نظر فاصله ایجاد کند.

## ۳/۱. چالش‌های اقتصادی (اقتصاد سیاسی فساد)

بررسی مسائل اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی، ساحت علمی گسترده‌ای است که اندیشمندان و متخصصان مربوطه در علم اقتصاد همواره به بررسی و تبیین آن متمرکز هستند. اقتصاد سیاسی فساد به بررسی تأثیرات تعاملات سیاسی در حوزه اقتصاد و به تبع آن استفاده از منابع اقتصادی در تعاملات سیاسی می‌پردازد. از جمله تهدیدات نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، به‌رغم سیاست‌های اعلامی و اقدامی در طول سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، وجود فساد اقتصادی متعامل با سیاست بوده است. شاید بتوان گفت که اقتصاد سیاسی فساد خود را در پدیده رانت نشان داده است، اما باید گفت که به دلیل حضور قدرتمند سیاست و سیاست‌ورزی در همه ابعاد جامعه، موارد دیگری مانند تأثیرات اقتصاد در مشارکت سیاسی مانند انتخابات‌ها، خصوصی‌سازی، واردات و صادرات و دیگر عرصه‌ها وجود دارد. در بررسی آمارهای ارائه شده رسمی توسط اندیشکده شفافیت برای ایران، شاخص ادراک فساد در سال ۲۰۲۳ میلادی از وضعیت نامطلوب کشور حاکی است که این ضعیف‌ترین نتیجه از سال ۲۰۰۹ میلادی بوده است.

## ۲. چالش‌های محیط بیرونی

شناخت محیط پیرامونی یا محیط خارجی یک واحد اعم از سازمان، مجموعه و نظام سیاسی به منظور شناسایی تهدیدها، چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی آن واحد است. ضرورت شناخت محیط و شرایط حاکم بر آن، بررسی جریانات و تحولاتی است که تغییرات در حال وقوع پیرامون را روشن می‌سازد. کشف پویایی‌های محیط، اثرگذاری و اثرپذیری از محیط، کارکردهای محیط‌شناسی، تعیین راهبرد تعامل یا تقابل با آن، یادگیری از مناسبات محیط، تدوین چشم‌انداز و در نهایت پیش‌بینی آینده محیط، از جمله کارکردهای مهم محیط‌شناسی است.



شکل ۱- شبکه مضامین چالش سه شاخگی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران

## ۸. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شده تا چالش‌ها و تهدیدات پیش‌روی جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی با محوریت مفهوم تاب‌آوری و در قالب مدل سه‌شاخگی ترسیم شوند. به لحاظ روش تحلیل، چالش‌ها و تهدیدهای تاب‌آوری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، در چارچوب مدل سه‌شاخگی تهدیدات سازمان‌ها و با روش تحلیل مضمون استخراج و در سه دسته مضمون‌های پایه‌ای، سازمان‌دهنده و فراگیر تنظیم شده‌اند. نوع مصاحبه‌های انجام شده به صورت هدفمند و منطبق با چارچوب مدل سه‌شاخگی و همچنین به صورت باز بوده است. داده‌های مصاحبه‌های باز نیز در مرحله پالایش و طبقه‌بندی در همان چارچوب جایابی شده‌اند. مهم‌ترین چالش ساختاری نظام سیاسی، عدم توجه به تاب‌آوری سیاسی در تدوین سیاست‌ها است. تاب‌آوری سیاسی به معنای حفظ اقتدار سیاسی در قالب نظام سیاسی بوده که دارای این قابلیت است که با ایجاد تغییراتی در نحوه اعمال قدرت سیاسی در جامعه، کنشگری نهادهای قدرت اجتماعی را به رسمیت شناخته و ضمن جذب تقاضاها و همسو نمودن آنها با اهداف نظام سیاسی، افق روشنی برای حفظ تعادل بین قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی ارائه می‌دهد. آنچه که نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در افق پیش‌رو دچار چالش ساختاری می‌کند، اتخاذ سیاست‌هایی است که تلاش دارد در راستای پایداری نظام سیاسی و کارآمدی آن باشد. اما باید توجه داشت که تدوین سیاست‌ها با معیار پایداری، نظام سیاسی را در وضعیتی انفعالی نسبت به تغییرات محیطی قرار می‌دهد. چراکه پایداری نظام سیاسی دارای درجه وابستگی به تغییرات بوده و نمی‌تواند نسبت به عدم قطعیت‌های محیطی پاسخ‌ابتکاری ارائه دهد. در واقع تجربه سیاسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که دو مؤلفه انطباق و تغییر به صورت همگرا در سیاست‌ها به کار گرفته نشده‌اند. تجربه بحران‌های شکل گرفته در مقابل نظام سیاسی و در قالب فتنه نشان می‌دهد که رویکرد نظام سیاسی تلاش برای بقاء و پایداری در مقابل اثرات این فتنه‌ها بوده است. در حالی که در ادبیات تاب‌آوری، تغییر در سیاست‌های گذشته نوع مواجهه با تهدیدات و انطباق با شرایط محیطی درونی و بیرونی نظام سیاسی است. در بعد چالش‌های رفتاری، بیشترین تأکید بر کنش‌های کارگزاران معطوف بوده و در مقابل بعد ساختاری، نشان می‌دهد که گسست بین ساختار نظام سیاسی و بعد رفتاری کارگزاران از جمله چالش‌هایی است که می‌تواند تاب‌آوری نظام سیاسی را کاهش دهد. عدم انطباق ساختار نظام سیاسی و کنش‌های اجتماعی و سیاسی کارگزاران با ماهیت و هدف انقلاب اسلامی عاملی برای چالش تاب‌آوری نظام سیاسی است. همچنین در بعد زمینه و محیط، تعلیق تصمیم‌گیری و اقدام نظام سیاسی به رفتارها و شرایط بین‌الملل و منطقه باعث فاصله‌گیری نظام سیاسی از توانایی‌ها و فرصت‌های موجود شده و در واقع ابتکار

عمل را از نظام سیاسی سلب می‌نماید. آنچه که نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در افق پیش‌رو دچار چالش ساختاری می‌کند، اتخاذ سیاست‌هایی است که تلاش دارد در راستای پایداری نظام سیاسی و کارآمدی آن باشد. اما باید توجه داشت که تدوین سیاست‌ها با معیار پایداری، نظام سیاسی را در وضعیتی انفعالی نسبت به تغییرات محیطی قرار می‌دهد. چراکه پایداری نظام سیاسی دارای درجه وابستگی به تغییرات بوده و نمی‌تواند نسبت به عدم قطعیت‌های محیطی پاسخ ابتکاری ارائه دهد. در واقع تجربه سیاسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که دو مؤلفه انطباق و تغییر به صورت همگرا در سیاست‌ها به کار گرفته نشده‌اند. تجربه بحران‌های شکل گرفته در مقابل نظام سیاسی و در قالب فتنه نشان می‌دهد که رویکرد نظام سیاسی تلاش برای بقاء و پایداری در مقابل اثرات این فتنه‌ها بوده است.

## منابع

- پارسونز، واین (۱۴۰۰). مبانی سیاستگذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- پورعزت، علی‌اصغر؛ هاشمیان، سید محمدحسین (۱۳۸۶). استعاره راه: معرفت‌شناسی صدراتی و تبیین هستی‌شناختی سازمان. نامه حکمت، ۵(۲).
- چهاردولی، عباس؛ قاسمی، حمیدرضا (۱۳۹۸). مبانی و اصول سیاستگذاری با رویکرد تطبیقی. تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ج ۱.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵/۰۳/۱۴). بیانات در هفدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3341>
- دای، توماس (۱۳۸۷). مدل‌های تحلیل سیاستگذاری عمومی. ترجمه ماکویی سویل. مطالعات راهبردی، ۱۱(۳۹).
- عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضمون‌ها. اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۲).
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۶). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- قاسمی، حمید و همکاران (۱۳۹۹). مرجع پژوهش. تهران: اندیشه آرا.
- کوثر، زهرا؛ ندایی، امین؛ سید تقوی، میرعلی (۱۴۰۰). عوامل مؤثر و پیامدهای تاب‌آوری سازمانی. پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۲۳(۴).
- محمدی شهرودی، حامد؛ رحیم‌نیا، فریبرز؛ ملک‌زاده، غلامرضا، خوراکیان، علیرضا (۱۳۹۸). ارائه الگوی تاب‌آوری سازمانی در شرکت‌های تولیدی با رویکرد داده‌بنیاد. پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۲(۴۳).
- منوچهری‌راد، رضا و همکاران (۱۳۹۹). سازگاری یا پیشگامی: تحلیلی از انتخاب راهبرد مناسب تاب‌آوری سازمانی براساس ظرفیت و کیفیت نهادی محیطی درک شده. مدیریت نوآوری، ۹(۲).
- میرزایی اهرنجانی، حسن؛ سرلک، محمدعلی (۱۳۸۴). نگاهی به معرفت‌شناسی سازمانی: سیر تحول، مکاتب و کاربردهای مدیریتی. بیک نور، ۳(۳).
- هادیان، ناصر؛ مظاهر، کروژده (۱۳۹۱). تکوین دولت به مثابه یک سازمان در محیط بین‌المللی؛ نگاهی نو به دولت. روابط خارجی، ۴(۳).
- Berger, P.R. & Luckmann, T. (1966). *The social construction of reality*. New York: Doubleday.
- Birkland, T.A. (2016). *An Introduction to the Policy Process: Theories, Concepts, and Models of Public Policy Making*. Routledge, 4<sup>th</sup> ed.
- Bourbrau, P. (2015). Resilience and International Politics: Premises, Debates, Agenda. *International Studies Review*, 17(3).
- Boyatzis, R.E. (1998). *Transforming Qualitative Information*. Cleveland: Sage.
- Caralli Richard, A. & et al. (2010). *CERT® Resilience Management Model, Version 1.0: Improving Operational Resilience Processes*.

- Castel, R. (1991). *From dangerousness to risk*. In: The Foucault Effect: Studies in Governmentality. Hemel Hempstead: Harvester Wheatsheaf
- Chandler, D. (2014). *Resilience: The Governance of Complexity*. Routledge, England, UK.
- Jonathan J. (2013). Resilience as Embedded Neoliberalism: A Governmentality Approach, *Resilience. International Policies, Practices and Discourses*, 1(1)
- Kamrava, M. (2023). *Righteous Politics: Power and Resilience in Iran*. Cambridge University Press
- Kantur, D. & Eri-Say, A. (2012). Organizational resilience: A conceptual integrative framework. *Journal of Management & Organization*, 18(06)
- Lob, E. (2018). Regime Resilience, Social Welfare, and Economic Development in the Islamic Republic of Iran. *Bustan*, 9(1)
- Mandin, P. (2007). Commentary-Ethics and Reflecting Processes. *Journal of Social Work Practice*, 21(2).